

نقد اندیشه‌های نیچه

تألیف: ایروینگ ام. زایتلین

مترجم: دکتر فاطمه زریباکلام

زمستان ۱۳۸۹

سرشناسه	زیتلین، ابروینگ ام.، ۱۹۲۸ - Zeitlin, Irving M.
عنوان و نام پدیدآور	نقد اندیشه‌های نیچه / تألیف ابروینگ ام. زایتلین؛ مترجم فاطمه زیباکلام.
مشخصات نشر	تهران: حفیظ، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	[۲۱۵]ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۱۷۷-۰۷۰-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: Nietzsche: a re-examination, 1994
یادداشت	نمایه.
موضوع	نیچه، فریدریش ویلهلم، ۱۸۴۴-۱۹۰۰ م.
موضوع	Nietzsche, Friedrich Wilhelm
شناسه افزوده	زیباکلام، فاطمه، ۱۳۳۰-، مترجم
شناسه افزوده	دانشگاه تفرش
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۹ ن ۷۹ / ب۳۳۱۷
رده‌بندی دیویی	۱۹۳
شماره کتابشناسی ملی	۲۶۰۸۸۹

نام کتاب:	نقد اندیشه‌های نیچه
ناشر:	انتشارات حفیظ ۰۸۲۴-۰۹۱۲۱۸۹۰-۶۶۷۲۲۱۸۱
ناشر همکار:	دانشگاه تفرش
ترجمه:	فاطمه زیباکلام
لیتوگرافی:	سعید ۶۶۹۱۴۳۱۵
چاپ:	الهادی
نوبت چاپ:	اول / ۱۳۸۹
تیراژ:	۵۰۰ نسخه
قیمت:	۴۰۰۰۰ ریال

ISBN : 978-964-177-070-1

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۱۷۷-۰۷۰-۱

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

انتشارات حفیظ: تهران خیابان انقلاب بعد از پارک دانشجو ساختمان ۱۰۳۲ واحد ۱۱
کتاب حفیظ: تهران خیابان انقلاب خیابان ۱۲ فروردین نرسیده به روانمهر پلاک ۲۳۳

فهرست

۷	پیش‌گفتار
۱۱	فصل اول؛ مقدمه
۲۹	فصل دوم؛ چنین گفت زردشت
۳۳	بخش یک
۳۷	بخش دوم
۴۱	بخش سوم
۴۷	بخش چهارم
۵۵	فصل سوم؛ فراسوی نیک و بد
۷۳	فصل چهارم؛ در باب تبارشناسی اخلاق‌ها:
۷۳	انزجار و وارونگی ارزش‌ها
۸۱	وارونگی ارزش‌ها در اسرائیل باستان
۹۱	فصل پنجم؛ وارونگی ارزش‌ها در یونان باستان
۱۰۹	فصل ششم؛ گناه، وجدان ناراحت و آرمان‌های ریاضت‌کشی
۱۱۱	در باب معنای آرم‌دهی برهبرگاری
۱۲۵	فصل هفتم؛ سقراط و پیشگامان تفکر نیچه

۱۴۱	فصل هشتم؛ شرح کوتاهی درباره مکس اشترنر و کارل مارکس
۱۵۲	نفی مارکس و انگلس
۱۵۷	فصل نهم؛ داروین علیه نیچه
۱۶۵	فصل دهم؛ غروب بت‌ها
۱۷۷	فصل یازدهم؛ ضد مسیح
۱۸۷	فصل دوازدهم؛ چالش داستایوسکی
۱۸۸	جنایت و مکافات (۶-۱۸۶۵)
۱۹۳	برادران کارامازوف (۱۸۸۰)
۱۹۶	تسخیرشدگان (۱۸۷۱)
۲۰۳	سخن آخر
۲۱۱	نمایه

پیش‌گفتار

در تاریخ فلسفه مدرن هیچ متفکری به اندازه نیچه (۱۸۴۴-۱۹۰۰) به ارزش‌های فرهنگ غرب حمله نکرده است. اهمیت وی به عنوان فیلسوف در به چالش کشیدن مبانی عقلانی و اخلاقی و دینی جامعه غرب است. در کل، چالش وی نقادانه و منفی قلمداد می‌شود، زیرا هدفش محو کردن جدول قدیمی ارزش‌هاست. تأثیر منفی نیچه نه تنها بر فلسفه معاصر، تئوری اجتماعی، نقد ادبی، و سایر حوزه‌های علمی است، بلکه بر نگرش‌های روزمره نیز اثر عمیقی گذاشته است. آنچه در این کتاب مد نظر است بررسی دقیق نیچه با هدف نشان دادن مسائل ابهامات و معضلات آشکار در آثار وی است. نیچه، آنطور که خواهیم دید، هم مابعدالطبیعه و هم عقل را رد می‌کند، بنابراین تنها معیار ذوق و سلیقه بر جای می‌ماند. با معیار سلیقه است که میان نظام‌های اخلاقی گوناگون، نظام‌های سیاسی-اجتماعی، ارزش‌ها و سایر فرآورده‌های انسانی تفاوت دیده می‌شود. زیرا از نگاه نیچه فقط نظام‌های متفاوت اخلاقی است که وجود دارد نه اخلاق، هیچ حقیقت کلی تاریخی وجود ندارد. از آنجایی که نیچه به عقل و دیالکتیک به عنوان مظاهر اخلاق بردگی^۱ می‌نگرد لذا کفایت عقل را برای دستیابی به حقیقت نمی‌پذیرد، ویژگی گفتارش ماهیتاً قاطعانه و محکم است. بنابراین نیچه اصلی‌ترین وظیفه فیلسوف که فراهم کردن

1. Slave morality

استدلال‌های معتبر در راستای اثبات خود است را مورد انکار قرار می‌دهد. نیچه «اخلاق اربابی»^۱ را مورد ترجیح و تحسین می‌پندارد، ولی این ترجیح در نظر وی کاملاً شخصی است و در واقع ترجیحی مبتنی بر زیبایی‌شناسی^۲ است. لذا، ارزش‌های متفاوت و گوناگونی که فرد در هر جامعه پیچیده‌ای می‌یابد، از نظر نیچه ایدئولوژی (نظریه‌ای) است.

در این تحقیق هر چند ممکن است همپوشی‌هایی با سایر تحقیقات در مورد فلسفه نیچه وجود داشته باشد، به اعتقاد من این اثر شامل عناصر ممتازی است. به عنوان مثال من توجه زیادی به تئوری جامعه‌شناختی یا روان‌شناختی اجتماعی رنجش^۳ و وارونگی ارزش‌ها^۴ نمروده‌ام. نیچه شخصاً کوتاه‌ترین خلاصه نویسی را از این تئوری ارائه می‌کند، در رابطه با دو مورد کلاسیک که او علاقه زیادی به آنها دارد یهودیان و یونانیان. بنابراین در فصل‌های ۵ و ۴ به این دو حوزه می‌پردازیم، منظور وی و ثمره اجتماعی این تئوری را روشن می‌کنیم. در هر حال برای خواننده ریشه اجتماعی یک اندیشه یا ارزش الزاماً دلالت‌هایی بر اعتبار آن نمی‌کند.

عنصر برجسته دیگری را می‌توان در بحث‌های سقراط و نیچه (در فصل ۷) پیدا کرد. زیرا روح فلسفه نیچه را کالیکلس^۵ و تراسیماخوس^۶ به تصویر کشیده بودند. به نظر من دست و پنجه نرم کردن سقراط با بحث آنها مبتنی بر وضع طبیعی جالب بود. به همین صورت، بحث مکس اشترنر^۷ و کارل مارکس^۸ (فصل ۸) ما را قادر می‌کند که بینیم چگونه مارکس - ماده‌گرایی مانند نیچه - با صریح‌ترین پیشکوتان نیچه‌ای در عصر مدرن مقابله می‌کند. همچون کالیکلس، نیچه مبنای نقد خود علیه دموکراسی را بر پایه آنچه حکومت طبیعت می‌بیند، می‌گذارد، که بر اساس این دیدگاه نیرومند بر ناتوان حکومت می‌کند. او معتقد بود که پیرو داروین^۹ است و در این راستا او متوجه نشد که فهمش از داروین یکطرفه و اشتباه است. پیامدهای اشتباه نیچه در فصلی تحت عنوان داروین در برابر نیچه آمده است (فصل ۹).

نیچه در سال ۱۸۴۴ متولد شد و به سال ۱۹۰۰ درگذشت - ولی او در ده سال آخر عمر به‌خاطر ناتوانی ناشی از جنون و پایان کارهای عملی در ۱۸۹۰ با وجود اینکه مباحثی را عنوان کرده است که ما را مجاز می‌کند که او را یک فیلسوف قرن بیستمی قلمداد کنیم، ولی فلسفه او

1. Master morality

2. aesthetic

3. Ressentiment

4. Inversion of values

5. Callicles

6. Thrasymachus

7. Max stirner

8. Karl marx

9. Darwin

مهر اروپای قرن نوزدهم را به خود دارد. قرنی که اگر با قرن بیستم مقایسه شود، آرام و متمدن به نظر می‌رسد. بنابراین اگر نیچه تا حکومت‌های خودکامه و رژیم‌های نسل‌کش قرن بیستم زنده مانده بود جای تعجب است که آیا او با صدایی به همان بلندی می‌گفت "خدا مرده است" و آیا خطرات این اظهار را منکر می‌شد؟ و باید به این سؤال پاسخ داد اگر "خدا مرده است" آیا هر کاری مجاز است؟ و این سؤالات است که داستایوسکی با هوشمندی و به صورت دراماتیک آن را پاسخ داد. این موضوع مبحثی است که آن را چالش داستایوسکی^۱ (فصل ۱۲) نامیده‌ام.

در پایان انتقادات من از مدافع پیشگام نیچه یعنی زردشت، و تأیید نامعقول وی این سخن‌گوی "اخلاق اربابان" و خواهان ظهور "ابر مرد" را به مقابله با پیامبران عبری خواهان عدالت اجتماعی و میسران "اخلاق بردگی" دعوت کرده‌ام. به این شیوه ما به روشنی گزینه‌های پیش روی خود را می‌بینیم.

www.ketab.ir